

۱۳۹۳/۳/۸ - شماره مجوز : س/ک/۴۲۹ -

من دانشجو هشتم / اولین هفته نامه‌ی مستقل فرهنگی اجتماعی سیاسی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

صاحب امتیاز: مصطفی سلجوقی / مدیر مسئول: سعید اصغریان / سردبیر: قاسم امینی / هیات تحریریه: محمد شرفخانی، حبیب قادری (جانشین سردبیر)، علی عرب، قاسم امینی، سید محمد علی گوهری، محمد مهدی میری، مسعود مهدوی راشد، محسن صابری، مرضیه رحمانی (فراغ التحصیل)، سمانه صفری (فراغ التحصیل)، فاطمه مطوری، آرمان معین راد، سید محمد حسینی، حسین شمسیان، پریسا فرزاد نیا / مسئول سایبری: سعید میرزایی / گرافیک و صفحه‌آرایی: محمد رضا پارسایی فر

شبکه‌ی توزیع: محمد نادری (مسئول و بهداشت)، مجتبی محمدیان (پزشکی)، علی عرب پور (سلف و خوابگاه)، اعظم عاشوری (سلف و خوابگاه)، علی پیری (پزشکی)، وحید شاهرخی (دندان پزشکی)، عباس جعفری (بهداشت)، محمد مهدی فلاح (دانشوزی)، رضا فرهادی (پرستاری)

سوزہی ہفتہ

کمیتہ انضباطی ظاہراً تعطیل!

داشتیم از بی سوژه بودن خسته می شدیم که خوشبختانه همت مسئولین دستان را خالی نگذاشت و این شماره با بررسی یکی دیگر از ادعاهای پر سر و صدای مسئولان عزیز در خدمت شما هستیم. یکی از آن ادعاهای بلند مسئولان دولت جدید که تا دانشگاه خودمان هم امتداد یافته و گوش فلک را نیز آزرده است، ادعای از بین رفتن فضای امنیتی و تعطیلی کمیته های انضباطی است. احتمالا اگر این ادعا ها را از مسئولان دانشگاه نشنیده باشید، حداقل از رئیس جمهور محترم شنیده اید. این جا به اوضاع دانشگاه های کشور از علامه تا یزد و... کاری نداریم و صرفا به یک بهانه، مروری گذرا بر دانشگاه خودمان داریم. هفته های قبل با خبر شدیم یکی از دانشجویان دانشگاه به کمیته انضباطی فراخوانده شده است آن هم به جرم درج نامش در پایین مطلبی در یک نشریه که موجبات تکدر خاطر مبارک مسئولین معاونت دانشجویی فرهنگی دانشگاه شده است. این جا است که ضرورت استفاده از نام مستعار در نشریات مستقل، معلوم می شود. شاید برای کسانی که با روند های قانونی مطبوعات و آیین نامه انضباطی دانشگاه ها آشنا هستند یا کسانی که مصاحبه ها و سخنرانی های آن معاون عظیم الشان را سمع نموده اند، چنین خبری تعجب بر انگیز باشد، اما آن هایی که در جریان اتفاقات دانشگاه در دو سال گذشته هستند می دانند که شعار " خالی بودن کمیته انضباطی " در واقع پوششی برای عمل به " بر کردن کمیته انضباطی از منتقدین دکتر ابراهیمی " است. در دو سال اخیر افراد مختلف به بهانه های مختلف اما به یک علت یعنی تکدر خاطر مبارک دکتر ابراهیمی، روانه کمیته انضباطی دانشگاه شده اند و در اغلب موارد با استفاده از عدم آگاهی دانشجویان به قوانین انضباطی، آن ها را به نوشتن توبه نامه یا موارد مشابه آن واداشته اند. در مقابل این اوضاع، با گروهی روبرو هستیم که در این مدت بروز و ظهورشان در دانشگاه رشد جهشی داشته و همه جا صدایشان را می شنویم و حضورشان را می بینیم که همگی یک نقطه مشترک دارند: تمجید از عمل کرد مسئولان این معاونت و تلاش برای انکار و پوشش نقاط ضعف آن ها. شایسته است روش های اداره دانشگاه از رضایت شخصی مسئولین فاصله بگیرد و برخی اصول قابل پذیرش تر جایگزین شود.

داس تدبیر، این یار بر سر فضای انتخاباتی دانشگاه

در ادامه روند حاکم بر دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه خودمان، یعنی، تحدید فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی دانشجویان و در عین حال شعار آزادی و فضای باز و پویا، مسئولان در آستانه انتخابات ۷ اسفند، اقداماتی انجام دادند. در این فرآیند ابتدا با تهدیدهای مسئولان تلاش شد که جلو انتشار "من دانشجو هستم" گرفته شود. مسئولین به بهانه درج یک خبر درباره تکذیب شایعه انصراف یکی از نامزدهای انتخابات، جلو انتشار نشریه را گرفتند و با متهم کردن نشریه به تبلیغ برای یک نامزد، نسبت به برخورد با نشریه هشدار دادند. این اقدام که از اساس مغایر قوانین مختلف کشور است، با توجیه‌های غیر قانونی ادامه یافت تا جایی که حتی اعتراض به این اقدام در نشریه نیز با تهدید مواجه شد. در واقع روش مستبدانه و ضد قانونی مسئولان دانشگاه، از محدودیت فعالیت، فرا تر رفته است و به ممنوعیت اعتراض به محدودیت هم کشیده شده است. به موازات این محدودیت بر نشریات، مسئولان با توجیه فشار و دستور وزارت کشور، تشکل‌های دانشجویی را نیز محدود کردند تا فضایی سرد در بازه انتخابات بر دانشگاه حاکم شده و اغلب برنامه‌های اصلی، لغو شود. به نظر می‌رسد در تاریخ جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه چنین محدودیت‌هایی در زمان انتخابات بر تشکل‌های دانشجویی اعمال نشده باشد. از طرف دیگر، با ورود گروه‌های خارج از دانشگاه، چند برنامه جنجالی از جمله سخنرانی محکومین قضایی و کنسرت انتخاباتی، در روزهای منتهی به انتخابات برگزار شد. موازی با این ماجرا احزاب بی‌پرده‌تر از قبل در دانشگاه خودنمایی کردند و با

باشگاه مخاطبین

مسئول: محمد صادق

• ۹۲۱۵۲۵۳۳ • ۵ : پیامک

ایاتنامہ:

Daneshjuweekly@Gmail.com

برجام در بوته ی عمل!!!

با گذشت نزدیک به سه ماه از اجرایی شدن برجام، امکان بررسی تحقق وعده‌ها در این زمینه نتایج عینی و ملموس آن بیش از پیش فراهم شده است و قضاوت در باره‌ی فواید و مضرات برجام راحت‌تر شده و می‌توان به راحتی به بررسی نقد‌های قبلی و نگرانی‌های پیرامون برجام پرداخت و پیش‌آمدن یا نیامدن مشکلات و نگرانی‌های پیش‌بینی شده از قبل را بررسی کرد. یکی از اساسی‌ترین نقد‌های وارد به مذاکرات این بود که بحث مسایل هسته‌ای فقط بهانه‌ای برای تحریم‌های آمریکا هستند و اگر ما برای خلاصی از تحریم‌ها، کاملاً مطابق میل دشمن رفتار کنیم و صنعت هسته‌ای خود را تا مرز تعطیلی کامل نیز پیش ببریم، باز هم دشمن دست از دشمنی برنمی‌دارد و همین تحریم‌ها را با بهانه‌های واهی دیگر بر کشور و مردم تحمیل خواهد کرد. و متأسفانه در همین سه ماه اخیر و پس از اینکه ما تعهدات برگشت‌ناپذیر خود مانند متن ریزی در قلب راکتور و باز کردن سانتی‌فیوژ‌ها را انجام دادیم، آمریکا با بهانه‌ی فعالیت‌های دفاعی موشکی ما تحریم‌های جدیدی وضع نمود و همچنین با ادعای مضحک دخالت ایران در حملات بازده سیستم‌های ایران را ملزم به پرداخت ۲۲ میلیارد دلار غرامت نمود!!!

یکی دیگر از نقد های مهم وارده به برجام که از طرف شخص دکتر روحانی و تیم مذاکره کننده کاملاً رد می شود، برداشته نشدن تحریم های گردش دلار بود که دولت ادعا می کرد با اجرای برجام تمامی تحریم ها از جمله تحریم های منع معاملات دلاری برداشته خواهد شد. لی منتقدان عنوان میکردند که این تحریم ها جز تحریم های اولیه و مربوط به مسایل دیگر است و با اجرای برجام برداشته نخواهد شد و متأسفانه ما شاهد بودیم که این تحریم ها برداشته نشد و معاملات دلاری ایران از جمله فروش نفت همچنان با مشکل روبه رو هستند. و پس از اعتراض ایران در این زمینه، جاش ارنست سخنگوی کاخ سفید علناً اعلام نمود که برداشتن تحریم های دلاری جزء تعهدات آمریکا نبوده و برداشته نخواهد شد و پس از آن نیز باراک اوباما در سخنرانی ای گفته بود که: ایران برای دیدن اثر رفع تحریم ها باید رفتار خود در منطقه را تغییر دهد.

یکی دیگر از نقد‌های وارده نسبت به اعتماد داشتن به دشمن در اجرای تعهدات خویش بود، بهارها از سوی منتقدان عنوان شده بود و دولت مردان اعتدال با استناد به بین المللی بودن تعهدات برجام این انتقاد را رد می نمودند ولی انچنان که شاهد بودیم این روزها بارها و بارها از طرف خود آقایان اعتدال گرا اعلام شده که امریکایی ها از انجام تعهدات خود سرباز می زنند همچنین روسای کشورهای اروپایی نیز بارها اعلام کرده اند که از ترس تحریمهای جدید امریکا در مسایل موشکی و حقوق بشر جرئت سرمایه گذاری در ایران را ندارند.

از دیگر نقد های جدی وارده، برگشت ناپذیر بودن تعهدات ایران در قبال تعهدات کاغذی غربی ها بود که در صورت عدم پابندی دشمن به تعداتش، آنها چیزی را از دست نداده بودند و تغییر یک قانون همه چیز را به حالت اول باز می گزدانند ولی طرف ایرانی راهی برای بازگشت نداشت و ندارد. تعهدات ایران شامل بتن ریزی در قلب راکتور اراک و جمع اوری سانتریفیوژها، برگشت ناپذیر بوده اند و حال که طرف امریکایی از انجام تعهدات خویش سرباز می زند باید از جناب ظریف و روحانی پرسید که چه جوابی برای این خسارت محض به وجود آمده دارند؟؟؟

از درد آورترین قسمت های ماجرا این است که طبق نامه ی رهبر معظم انقلاب، امام خامنه یی به دولت، وضع هرگونه تحریم جدید از طرف امریکا نقض برجام به حساب می آید و جناب عراقچی نیز در گفت و گوی ویژه ی خبری رسما اعلام نمود که بر اساس نامه ی امام خامنه یی نقض برجام توسط امریکا اتفاق افتاده است. ولی دولت مردان سهل اندیش و خوش خیال ما جرئت اعتراض رسمی و اعلام نقض برجام را ندارند و فقط در اقدامی که به طنز بیشتر شبیه است تا به واقعیت، از طریق ایمیل در حال وارد کردن فشار به امریکا برای عمل به تعهدات خود میباشند.

متأسفانه رسوایی کار انجا مشخص می‌شود که چندی پیش علی اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی که خود از دست اندر کاران مذاکرات و حامیان سرسخت برجام بود و توسط دولت بزرگ‌ترین مدیر و امیدوار «دانشمند هسته‌ای» خوانده می‌شد، اعلام کرد که برجام تا کنون برای ما هیچ منفعتی نداشته است، و بلافاصله حسن روحانی رئیس‌جمهور مملکت در تقاض سخنان

نشریه مستقل دانشجویی

فرہنگی، سیاسی، اجتماعی

شماره سی و هفتم
هفتاد و یک
اردیبهشت ماه ۱۳۹۰

حی اعلام کرد که ایشان نه وزیر اقتصاد هستند و نه امور خارجه و نه رییس بانک مرکزی که هاند در باره ی بگرام نظر دهند و باید منافع بگرام را از وزاری اقتصاد و خارجه و رییس بانک ی پرسید! در همین راستا هفته ی قبل بود که آقای سیف رییس کل بانک مرکزی در نشستی امریکا رسماً اعلام کرد که بگرام تا کنون برای ما تقریباً هیچ نتیجه ای نداشته است!!!! ولی مترشاه هم چنان در سخنرانی ها از فواید بگرام و گشایش های آن سخن می گویند!

در حال حاضر سوال اینجاست که چند نفر دیگر از دولت مردان تدبیر باید از هیچ بودن نتیجه
برجام سخن بگویند تا برخی ها از جمله بزرگ تر شان و بزرگتر بزرگترشان دست از فریب مردم
نکشند؟؟؟



گلابی قُلْ مراد

نظر شما در این باره که تا دو سال قبل دولت مردان شب پرداخت رانه ها را شب مصیبت عظمای دولت می دانستند، ولی امروز حذف رانه ی ۲۴ میلیون نفر از ثروتمندان را بی عدالتی می نامند، چیست؟؟

۱. حرف مرد یکیه! نه نه اصلاح می کنم، در هر زمان یکیه!

۲. اینا از صداقت دولت راستگویانه خب!

۳. امسال سال آخره! حیف نیست ۲۴ میلیون رای دهنده رو از دست بدیم؟؟

۴. نه بابا مردم ما که پولی رای نمیدن! اونا قطعاً به خدمات ارزنده ی دولت تدبیر ی خواهند داد!

۵. مردم فقط تو دولت قبل به سیب زمینی رای میدادن، الان با رای به دولت
بیر نشون دادن که فهم سیاسی شون رفته بالا!

سی شون رفته بالا!

تَوَهُّمُهُمْ شُهُودٌ وَ كُفْلُهُمْ دُفُوعٌ بَأَرْضِ عَالَمِهَا
مُلْجَمٌ وَ جَاهِلُهَا مُكْرَمٌ (نهج البلاغه خطبه دوم)

خوابشان بیداری و روشنی چشمشان خون بود، در سرزمینی که دهان دانشمندان به ذلت بسته، و نادانان بر کرسی احترام نشسته بودند. به این سوال کلیشه ای که چرا سرانه ساعات مطالعه در کشور ما پایین تر از میزان انتظار است تا کنون پاسخ های متعددی داده شده است (از نبودن ساعات فراغت کافی تا گزاف بودن قیمت کتاب ها). اگرچه هر کدام از این استدلال ها بخشی از مسئله را توجیه می کند، در بر خورد با بخش دیگر آن دچار تزلزل می گردد. به یاری خداوند، این نوشتار قصد پرداختن به این موضوع از نگاهی کلان تر را دارد تا شاید بتواند سهمی در

ماجرای یک ربات(۱)

نعمت... پیغان

آشنایی با قوانین ربات ها

با سلام.فرصت خیلی خیلی کم است.این نوشته ها را روی خاک گلدان آپارتمانم جمله جمله می نویسم و سپس سریع از بین می برم. چرا که یک ربات حق نوشتن ندارد آن هم از نوع درد ودل! یک ربات فقط آن کاری را می کند که به او فرمان دهند.یک ربات آن کاری را انجام می دهد و به چیزی می اندیشد که در تراشه های الکترونیکی مغزش کار گذاشته باشند.آه ببخشید که خودم را معرفی نکردم. من یک ربات هستم.من موجودی مطیع هستم، پس هستم.من مطیع قوانین تکنیک هستم، پس هستم.من آن چیزی را می بینم و می فهمم و به آن چیزی تمایل خواهم داشت که آنها بخواهند.در موزه و کتابخانه تاریخ ربات ها جمله ای را دیدم که نوشته بود: من می اندیشم پس هستم.این جمله از یک غیر ربات در حدود ۵۰۰ سال قبل بود.این جمله برای ما ربات ها معنا ندارد.اندیشیدن برای ما سم است، این جور به ما آموزش داده اند. فقط حساب کردن و فکر کردن به تمایلات را به ما یاد داده اند.من خشمگین می شوم پس هستم.من مشروب می خورم پس هستم.این

روشنتر شدن این آسیب داشته باشد.

لطفاً جامعه ای را در نظر بگیرید که در آن انسان ها از هنگامی که خود را می شناسند، در خود این استعداد را می بایند که می توانند در امور مختلف (حتی بدون کمترین پیش زمینه ای) اظهار نظر کنند و خود را از صاحب نظران در زمینه های مختلف بدانند. در چنین جامعه ای هیچگاه فردی احساس نیاز نمی کند که باید مطالعه نماید و در این جامعه همه متخصص بالقوه هستند.

هنگامی که انسان ها همه چیز را از پیش می دانند، طبیعیست که کسی تمایل ندارد عمر خودش را صرف خواندن مطالبی نماید که هیچ سود و رشدی برای او ندارد و در چنین جامعه ای علم جویی هیچ ارزش و جایگاهی ندارد زیرا در نظر مردم، فرقی در وجود و عدم آن نیست. در این جامعه، کتاب مفتش هم گران است و همچنین هیچکس وقتی برای کار بی مزد و مواجهی مثل مطالعه ندارد.

حال اگر به اولین جمله این مقاله (که از حضرت علی در توصیف جامعه جاهلی پیش از بعث پیامبر اسلام نقل شده است) برگردیم، در می

قانون ربات هاست.دقیقا نمی دانم

از کی ربات شده ام.از وقتی که بودم به من گفته اند ربات.من ربات ۱۹۷۹ هستم.این اسم و در واقع کد من است.در هر جای این کره ی خاکی باشم، من را شناسایی می کنند و اصلا این کد است که به من

اجازه زیستن و یا خرید و یا خوردن می دهد. ما هر سال یا نهایتاً هر ۲ سال یک بار به اصطلاح آپ دیت و به روز می شویم.تراشه های جدید به بازار می آید و ما مجبوریم تراشه های قبلی را تحویل مرکز جهانی امنیت و سنجش تمایلات ربات ها داده و نوع جدیدش را در مغزمان کار بگذاریم.مثلا تبلیغ تراشه ای را چند روز قبل دیدم که دارای این ویژگی ها بود:به شما این امکان را می دهد که احساسات شاعرانه شاد و مهیج را تجربه کنید.تصویر صدها ربات از جنس مخالفتان را هر آن گونه که شما بخواهید و در هر لحظه برایتان به طور سه بعدی جلوی چشمتان می آورد و ... بگذاریم.پدر من نیز یک ربات بود، یعنی در اواخر عمرش ربات شد.برای من از روزهایی می گفت که ربات کم بود.از روزهایی می گفت که غیر ربات ها شعر می گفتند و می خواندند.هر ربات پدر و مادر و خواهر و برادر داشت.از روزهایی می گفت که ربات ها به هم عشق می ورزیدند.قلب ها

باییم که جامعه ما علی رغم همه تاریخ درخشان خود دچار نوعی جاهلیت شده است. جامعه ما در برابر دانایی پدافند گرفته است، علم و عالم هتک حیثیت شده اند و هر کس نظر خودش را بر نظر دیگران (حتی اگر یک دهم تحصیلات و تخصص آن ها را نداشته باشد) ترجیح می دهد و گمان می کند که حق همیشه با اوست. بخش مهمی از میزان مطالعه ای هم که در کشور مشاهده می شود ناشی از ضرورت آن برای کسب مدرک، شغل و درآمد است و بسیاری از دانشجویان از تحصیل رنج می برند (و بسیاری از مفاد آموزشی را بیهوده می نامند) و همواره روزشمار اتمام دوران تحصیل خود هستند. تا زمانی که اعتبار به علم بر نگردد و تا زمانی که دانش به مثابه یک ارزش در نیاید، بسیار بعید به نظر می رسد که تغییری در سرانه مطالعه کشور ما پدید آید.

چون آینه نورخیز گشتی، احنست

چون اره به خلق تیز گشتی، احسنت

در کفش ادیبان جهان کردی پای

غوره نشده مویز گشتی، احسنت

ملک الشعرای بهار

هنوز ماهیچه ای بود.اما وقتی پدرم در حال فوت بود، من فقط نگاهش کردم و رفتم، مقداری بی تفاوت شاید. اما قانون ربات ها همین است. پدرم می گفت که وقتی پدرش فوت کرده بوده، تا حدود ۲ ماه ناراحت بوده و چند روزی هم سر کار نرفته است. این ماجرا برای من و سایر ربات ها مانند افسانه هستند! و برای خیلی هامان بی معنا.چرا یک ربات باید غصه ربات دیگری را بخورد؟ اصلا غصه یعنی چه؟ در تبلیغات تراشه ی جدید ذکر شده بود که دیگر احساس ملال و غصه خوردن را تجربه نخواهید کرد.چه عالی! وقت کم است.باید بروم.ضمناً من تراشه ی مغزم را ۳ سالی است که آپ دیت نکرده ام.هم چنین تراشه ی مغز پدرم را که اولین نسخه تراشه ربات هاست را به طور اتفاقی در کمد لباس های پدرم پیدا کردم.هنوز جرات نکرده ام که تراشه پدرم را که در اواخر عمر شده بود ربات ۱۹۴۰ را استفاده کنم.ضمناً اگر آنها بفهمند که من این تراشه را دارم حتما مرا سر به نیست خواهند کرد و به شهرک بازپروری و باز طراحی ربات های متمرّد خواهند فرستاد و با یک کد جدید و هویتی متفاوت دوباره متولد خواهم شد.خب برای امروز بس است.

بازتاب

بی سوادالدوله

■ آمریکا اخلاخل و خدعه می کند و بعد گالایه می کنند که چرا ما بدیینیم

حضرت آیت الله خامنه ای با اشاره به پیشرفت جمهوری اسلامی ایران در ۳۷ سال گذشته، به رغم دشمنی امریکا، تأکید کردند: اگر این دشمنی تا صد سال دیگر هم ادامه داشته باشد، به کوری چشم آنها تا صد سال دیگر نیز پیشرفت خواهیم کرد.

ایشان افزودند: امریکا دشمن است؛ چه به روی او بیاوریم، چه به روی او نیاوریم؛ و چه بر زبان بیاوریم و چه بر زبان نیاوریم، این دشمنی ها تمام نخواهد شد.

■ هشدار حداد عادل نسبت به دخالت دولت در انتخابات

حداد عادل: نکته دیگری که در جلسه شورای ائتلاف مطرح شد، اظهار نگرانی از دخالت آشکار مسئولان دولتی در انتخابات بود. نمونه های متعددی ذکر شد از اینکه برخی از مسئولان که باید بی طرفی خود را در اجرای انتخابات نشان بدهند، آشکارا گرایش خود را به یک جریان سیاسی اعلام می کنند و در مجامع، مردم را به رأی دادن به نامزدهای یک جریان خاص دعوت می کنند و مسئولان استانی را تشویق می کنند که امکانات را در اختیار نامزدهای خاصی بگذارند.

■ کنایه توکلی به گشت نامحسوس

اگر گشت نامحسوس مبارزه با فساد اقتصادی را جدی گرفته بودیم امروز گشت های نامحسوس اجتماعی رونق کمتری داشت.

■ تصمیم اصلاح طلبان برای ریاست عارف

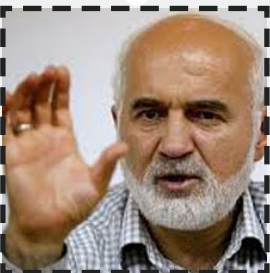
سهیلا جلودارزاده منتخب اصلاح طلب مردم تهران در مجلس دهم درباره اخبار منتشر شده درباره توافق سران اصلاحات برای ریاست عارف در مجلس دهم، اظهار داشت: آن مورد توافقی بزرگان بوده، البته باید مجلس تشکیل شود تا با رأی نمایندگان معلوم شود که چه کسی رئیس می شود

■ واکنش روحانی به مصادره ۲ میلیارد دلار

حسن روحانی روز چهارشنبه و در نشست هیأت دولت اظهارداشت: اینکه دادگاه یا قوه مقننه در گوشه ای از دنیا بخواهد برای حقوق و اموال ملت ایران تصمیمی بگیرد، کاملاً غیرقانونی و برخلاف حقوق بین الملل و مصونیتی است که بانک های مرکزی از نظر حقوقی در دنیا دارند. رئیس جمهور رأی دیوان عالی آمریکا مبنی بر توقیف حدود ۲ میلیارد دلار از دارایی های ایران را دزدی آشکار و رسوایی بزرگ حقوقی برای آمریکا و به مفهوم ادامه خصومت علیه ملت ایران دانست.

■ کار سرهنگی و فرهنگی!

عباس جعفری دولت آبادی در جلسه ای با موضوع آسیب های اجتماعی درباره چگونگی مقابله با جرایم، ضمن تاکید بر ضرورت انجام اقدامات فرهنگی در کنار اقدامات مقابله ای، در توضیح اظهار کرد: کار «فرهنگی» و



«سرهنگی» هر یک به

تنهایی جواب نمی دهد،

بلکه در مقابله با آسیب های اجتماعی،

این دو باید با هم به کار گرفته شود و اقدامات پیشگیرانه هم در اولویت باشد.

■ انتقاد مطهری از روحانی

علی مطهری گفت: رئیس جمهور به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی، وظیفه دارد پیگیر مساله حصر باشد. نباید دائماً این مسائل را به شرایط سیاسی پیوند زد و گفت اکنون کشور در شرایط خاصی است و صلاح نیست این موضوع مطرح شود. این حرف درست نیست چون کشور ما به دلیل پیگیری آرمان های انقلاب اسلامی همیشه در شرایط خاصی است.

■ ماله طلایی!

جنبش عدالتخواه دانشجویی «ماله طلایی» را به عباس عراقچی تقدیم کرد.

■ تشکیل فراکسیون اصول گرایان

سید حسین نقوی حسینی سخنگوی کمیته هفت نفره ساماندهی اصول گرایان در مجلس دهم شورای اسلامی گفت: این نشست روز سه شنبه ۱۴ اردیبهشت در تهران برگزار می شود.وی با بیان اینکه منتخبان مجلس دهم که خواهان عضویت در این فراکسیون هستند از سراسر کشور در این نشست حضور می یابند، ادامه داد: در این نشست اصلاح طلبان حضور ندارند.

■ نقض برجام

غلامعلی حدادعادل رئیس فراکسیون اصولگرایان مجلس شورای اسلامی درباره مصادره ۲ میلیارد دلار از اموال مسدود شده ایران در آمریکا براساس حکم دیوان عالی این کشور، اظهار داشت: اقدام دولت آمریکا در مصادره ۲ میلیارد دلار اموال بلوکه شده ایران قطعاً نقض برجام محسوب می شود.

■ توثیت رضائیان برای ظریف!

رضائیان در پیام توییتری نوشت: محمدجواد ظریف! تو به شهر ما (نیویورک) آمدی و در واشنگتن پست مقاله منتشر کردی اما حتی با من یک تماس هم نگرفتی، من فکر میکردم ما با هم رفیقیم.

■ واکنش نماینده پارلمان فلسطین به توقیف اموال ایران

زهیر صندوقه که در نشست کمیته دائم امور فرهنگی و اجتماعی مجمع مجالس آسیایی در تهران سخن می گفت، با اشاره به حکم دادگاه آمریکایی در پرداخت غرامت دو میلیارد دلاری از سوی ایران به دلیل کمک ایران به مقاومت اسلامی در لبنان اظهار کرد: این تناقض غربی است که اسرائیل یک جنگ ویرانگر علیه غزه داشت و هیچ بیمارستان و منطقه مسکونی باقی نگذاشت اما ندیدیم که هیچ صدایی این کاراسرائیل را محکوم کند.